



گفت‌وگو با اسقف «جان بریسون چین» در آمریکا

نامه رهبر انقلاب

همه ما را به چالش کشاند

۵۹

پیرامون جزئیات نامه مقام معظم رهبری به جوانان غرب، با اسقف «جان بریسون چین» از کلیسای اپیسکوپال واشنگتن و مشاور ارشد کلیسای ملی گفت‌وگوی بین ادیان واشنگتن، گفت‌وگویی انجام شده است که در ادامه، متن آن را می‌خوانید:

اسلام است، به طوری که ما به عنوان عالمان مذهبی غربی و شرقی باید همگی در ترغیب نسل جوان در جهان به درک تاثیر منفی مدرنیته و سکولاریسم بر فرهنگ‌های جمعی در قرن بیست و یکم همکاری کنیم. بیکاری در سراسر جهان، فقدان آموزش و نظام‌های اقتصادی ورشکسته یا رو به ورشکستگی که به فقر بسیاری کشورها منجر شده، فضایی برای ناامیدی جوانان به آینده فراهم آورده است. فراتر از ناامیدی، چهره غم‌انگیز «تحقیر» پدیدار شده است. تمام این مسائل فرصت جوانان برای تمرکز بر جامعه و مطالعه دینی را سلب کرده است. بسیاری از جوانان تلاش می‌کنند ارزش‌های مشترک اخلاقی، عشق به پروردگار و همسایه و در کل به بشر و پندهای الهی مربوط به زندگی را درک کنند تا نیازهای

پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران خطاب به جوانان اروپایی و آمریکای شمالی را گفتید که ملاحظه کرده‌اید، بفرمایید برداشت اولیه شما به عنوان یک عالم دینی از انتشار این پیام چیست و چرا جوانان مخاطب اصلی این پیام در غرب قرار گرفته‌اند؟

مایه خرسندی و مسرت است که نامه رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران را بخوانم. این موضوع برای من فرصتی است تا بیانات مندرج در نامه آیت‌الله خامنه‌ای را برای جوانان بازگو کنم و بازتاب دهم. آینده جهان به طور مستقیم در دست‌ها، قلب‌ها، ذهن‌ها و روح‌های جوانان جهان است. چالش بزرگ پیش روی نسل جوان بیش از همه مطالعه صرف در مورد

انسان‌های کم‌اقبال و ضعیف را برآورده سازند. عشق به خدا و همسایه و در کل به بشر، هسته اصلی وحدانیت و یکتاپرستی است که همان طور که می‌دانیم در مسیحیت و اسلام محورهای اصلی به شمار می‌روند. چالش بزرگ پیش روی ما به عنوان رهبران مسلمان و مسیحی تلاش و همکاری خستگی‌ناپذیر با جوانان چه در اروپا و چه در آمریکای شمالی است تا بر اصول اخلاقی که هسته اصلی آموزه‌های پیامبر اسلام و سایر پیامبران است، تمرکز کنند.

زندگی در جهان پست‌مدرن و سکولاریسم به چالش جدی ارزش‌های یکتاپرستانه مشترک تبدیل شده است. در صورتی که رهبران جهان به طور جدی با جوانان جهان در مورد هدیه بزرگ ایمان که در قرآن و سایر کتب مقدس آمده، همکاری کنند، میزان خشونت در جهان کاهش خواهد یافت. عبادت، خواندن متون کتب آسمانی و زندگی در جوامعی که سخنان پیامبر اسلام شنیده شود و مورد استقبال قرار گیرد، اهمیت بسیاری دارد. جوانان جهان در صورت حرکت در چنین مسیری به حافظان شاخه زیتون صلح بدل خواهند شد و می‌توانند در پیشبرد احترام متقابل برای تمام بشریت ایفای نقش کنند. حق با رهبر معظم ایران است که تشخیص داد جامعه جهانی برای آینده خود باید بر درک بهتر اسلام در غرب و نیز سراسر جهان تمرکز کند. اسلام دین صلح است نه دین خشونت، افراط‌گرایی یا نفرت.

چه بخشی از پیام رهبری ایران بیشتر نظر شما را به عنوان یک اندیشمند مسیحی به خود جلب کرد؟

حقیقت دارای قدرتی است که می‌تواند تهدید افراط‌گرایی اسلامی را ریشه‌کن کند. رهبر ایران به این موضوع در نامه خود اشاره کرد و با پرسیدن پرسش‌های مهم، آن را بازتاب داده است. مسلمانان می‌توانند حقیقت را در قرآن بیابند. آموزه پیامبر اسلام قدرتی دارد که می‌تواند زندگی را برای بهتر زیستن تغییر دهد و پیروانش را در مسیر صلحی جهانی و مقبول همگان تقویت کند. درک این نکته مهم است که اسلام در جهان یکتاپرستی و الهیات تنها نیست. مسیحیت، اسلام و یهودیت پروردگارشان یکی است و خود را از طریق تاریخ و وحی روح اقدس الهی بر پیامبران و مروجان خود در پیوند با یکدیگر می‌بینند. با تلاش جدی برای انتقال دانش مربوط به تجربه مثبت اسلام به جوانان، آنها می‌توانند در جهانی بهتر و کم‌خشونت‌تر زیست کنند. اسلام و مسیحیت ارزش‌های مشترکی دارند که خشونت و افراط‌گرایی را نفی می‌کنند. مسیحیت و اسلام می‌توانند در گسترش داستانی بزرگ شریک هم باشند. در جهان امروز ۶.۱ میلیارد مسلمان و ۲ میلیارد مسیحی وجود دارد. تصور کنید قدرت حاصل از مشارکت این دو دین بزرگ چه میزان خواهد بود؛ زمانی که دانشمندان و رهبران مذهبی این دو دین یکتاپرست در کنار هم بایستند و خشونت را به عنوان امری ناپسند و منفور در سنت‌های دینی خود محکوم کنند.

هنگامی که معتقدیم مذهب، متون مقدس، تاریخ، روش عبادت و تجربه خداگرایی یکی است، باید احترام متقابل را در پیش بگیریم. اگر ما به عنوان مسلمان و مسیحی با سنت‌های شرقی و غربی نتوانیم به اتفاق نظر برسیم و از این آموزه استقبال نکنیم که خدا واقعا خدای تمام بشریت، مذاهب، ملت‌ها و کشورهاست، در قرن بیست و یکم با جهانی پر از خشونت و جنگ رو به رو خواهیم بود؛ به طوری که تروریست‌هایی که مدعی‌اند مسیحی یا مسلمان هستند، حاکمیت را به دست خواهند گرفت. نبرد برای پایان خشونت نمی‌تواند و نباید تنها بر دوش اسلام و مسلمانان

باشد. مسیحی‌ها و مسلمانان باید در تلاشی مشترک به منظور آموزش و دور کردن قلوب جوانان از خشونت با یکدیگر همکاری کنند.

رهبران سیاسی و مذهبی جهان در آمریکای شمالی، اروپا و خاورمیانه چگونه می‌توانند به راهبردی مشترک برای گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز مذهب‌های مختلف به منظور ریشه‌کنی افراط‌گرایی برسند؟ بار دیگر با عنایت به محتوای نامه رهبر عالی ایران باید بگویم از صمیم قلب معتقدم بار مسئولیت مبارزه با افراط‌گرایی نباید صرفاً بر دوش اسلام و مسلمانان باشد، به دلیل اینکه اسلام و مسیحیت اشتراکات بسیاری دارند. به لحاظ ظاهری در بررسی روند همکاری اسلام و مسیحیت و نیز همکاری جمعی آنها با دولت‌ها و جامعه مدنی به منظور پایان خشونت، اقداماتی صورت گرفته است اما کافی نیست و اقدامات بیشتری باید صورت گیرد. گفت‌وگوهای بین‌ادیانی بی‌شماری صورت گرفته، هزاران سخنرانی ایراد شده و صدها کتاب و مقاله در مورد نحوه همکاری جمعی برای ریشه‌کنی تروریسم و افراط‌گرایی نگاشته شده است. اغلب رسانه‌های داخلی آمریکایی و جهانی گزارش‌چندانی از آن منتشر نمی‌کنند. در بیشتر اوقات، کار به صورت دستوری و دربرگیرنده «چه چیزی باید انجام شود» و «چه کسی باید آن را انجام دهد»، است. در اسلام و مسیحیت این آسیب‌پذیری از سوی عمده رهبران مذهبی وجود دارد که عملاً آنچه را که باید برای تغییرات سازنده از طریق اقدام و آموزش برای تغییر صورت دهند، انجام نمی‌دهند.

نامه رهبری جمهوری اسلامی ایران از این جهت اهمیت و ارزش دارد که ایشان پرسش بسیار مهمی را طرح کرده‌اند. اگر ما تنها تمایل داشته باشیم از پرسش ایشان با اقدام مستقیم به منظور ایجاد جهانی بهتر پیروی کنیم، این پرسش پاسخ‌هایی دارد، به این معنا که تبادل اندیشه‌ای جوانان مسلمان ایرانی با جوانان غربی می‌تواند مفید باشد. در واقع، شایسته است تبادل اندیشه‌ای میان غرب و ایران از طریق آنهایی که در هنر، ورزش و پژوهش مشترک در علوم مشارکت دارند افزایش یابد. در عین حال، گفت‌وگو بین ادیانی میان ایران و غرب می‌تواند کمک بزرگی در تحقق این مسیر باشد. اگر ما می‌خواهیم وارونه‌نمایی اسلام توسط کسانی که از مذهب به عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند، پایان یابد، باید به این توصیه‌ها عمل کنیم.

پس از حملات تروریستی پاریس، اسلام‌هراسی در اروپا به ویژه در فرانسه، انگلیس و آلمان و فشار علیه مسلمانانی که افراط‌گرا هم نیستند، افزایش یافته است، نظر شما در مورد این شرایط چیست؟

پاسخ اولیه به این پرسش این است که چنین رفتاری علیه مسلمانان غیرقابل‌پذیرش و غیرعادلانه است و سطح جهالت و بی‌اطلاعی از اسلام را اثبات می‌کند که شرم‌آور است. مسیحی‌ها باید با برادران و خواهران مسلمان خود متحد شوند تا چنین رفتاری را محکوم کنند و در بازگشت به موضع‌گیری خود مبتنی بر آموزه‌های کتاب مقدس خود شفاف باشند. دانشمندان و رهبران مذهبی مسیحی و مسلمان باید در مورد باورهای مذهبی گسترده مسیحیت و اسلام صحبت کنند و اختلاف‌های مذهبی خود را که در بیشتر موارد اختلاف‌برانگیز و غیرسازنده است، کنار بگذارند. آنها باید به عنوان یک صدا در محکومیت تمام اشکال خشونت به نام مذهب سخن بگویند. مسلمانان و مسیحی‌ها اشتراکات بسیاری دارند. نامناسب است که اسلام تنها بماند و به عنوان مذهب خشونت به آن توهین شود. چنین مساله‌ای واقعا غیرقابل‌پذیرش است. مسیحی‌ها و مسلمانان آرمان مشترکی در تلاش برای تحقق صلح میان تمام مردم جهان دارند.

واقعیت این است که رهبر معظم ایران این نامه را به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشتند و این موهبتی الهی و منحصر به فرد بود. ایشان از خرد و هدایت معنوی خود برای مواجهه با مسئله‌ای جدی بهره گرفته‌اند.

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به جوانان اروپا و آمریکای شمالی در شناخت این قشر از اسلام حقیقی و مبارزه با افراط‌گرایی تا چه حد می‌تواند موثر باشد؟

واقعیت این است که رهبر معظم ایران این نامه را به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشتند و این موهبتی الهی و منحصر به فرد بود. ایشان از خرد و هدایت معنوی خود برای مواجهه با مسئله‌ای جدی بهره گرفته‌اند. مذهب و رهبران مذهبی در آمریکا در خط مقدم مبارزه با نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و تلاش برای تاثیرگذاری بر تصمیم‌سازی در سطوح دولتی در مورد عدم جنگ‌طلبی بوده‌اند. مذهب و رهبران مذهبی در آمریکا در خطوط مقدم مقابله و محکومیت تولید و به کارگیری تسلیحات هسته‌ای بوده‌اند. رهبران مذهبی در آمریکا در خطوط مقدم بوده‌اند و سیاست‌های انرژی کشور را که به محیط زیست آسیب رسانده، به چالش کشیده‌اند و برای حفاظت از منابع طبیعی زمین عزم جدی داشته‌اند. رهبر عالی ایران این پرسش را مطرح کرده‌اند که چه تعداد از شما قرآن مقدس را خوانده‌اید؟ این مسئله را من نیز به عنوان اسقف کلیسا از مردم این طور پرسیده‌ام که چه تعداد از شما کتاب مقدس خود (انجیل) را خوانده‌اید؟ بی‌اطلاعی از کلام پروردگار که در قرآن مقدس و کتب مقدس مسیحیت و سایر متون مقدس آمده، مضحک است و در عین حال ساده‌انگاری و برداشت اشتباه از کلام پروردگاری است که توسط پیامبر اسلام، سایر پیامبران و مسیح منتقل شده است. این شرایط مخرب و خطرناک است که آتش خشونت و افراط‌گرایی را شعله‌ور می‌کند.

در پیام رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران مصادیقی از اشتباهات تلخ غرب علیه جوامع بشری ذکر شده بود از جمله برده داری، استعمار اروپا، راه اندازی دو جنگ جهانی و این که مورخان و محققان غربی همواره با یک تأخیر چند ده ساله به این اشتباهات اعتراف و ابراز شرمساری می‌کنند. این تجربه تا چه اندازه می‌تواند از ترویج ادعای اسلام هراسی کنونی جلوگیری کند؟

اسلام یکی از سه دین بزرگ ابراهیمی است که آموزه‌های پیامبر اسلام، پیامبران بزرگ و مسیح مطابق سنت‌های یکتاپرستانه در آن وجود دارد. اغلب برداشت اشتباه از ریشه‌های مشترک‌مان به خشونت میان سنت‌های دینی تبدیل شده و نتیجه آن، کشته شدن هزاران نفر به نام خدا و دین بوده است. این مساله غیرقابل پذیرش است. کسی حق ندارد جان انسان دیگری را به نام خدا بگیرد، هیچ کس! در مورد شرایط کنونی و نحوه مقابله با افراط‌گرایی به منظور ایجاد صلح برای بشریت

باید گفت که ایجاد محیطی برای تغییرات مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها، کشورها، فرهنگ‌ها و سایر سنت‌های مذهبی امکان‌پذیر است. تاریخ‌های ما باید در محیط‌هایی به اشتراک گذاشته شود که احترام به «دیگری» بر روابطمان حاکم باشد. ما می‌توانیم در چنین محیطی زمینه مشترکی بیابیم که در آن همه با هم به منظور مبارزه با خشونت و تروریسمی که به نام خدا شعله‌ور شده، متحد شویم.

تجربه اروپا به لحاظ تاریخی به گسترش استعمارگری مربوط می‌شود. همچنین این تجربه به لحاظ تاریخی از طریق جنگ‌های مذهبی و تحت تعقیب قرار گرفتن سایر ادیان شکل گرفت. در آن دوره، استعمارگری و مذهب شرکای یکدیگر بوده‌اند و تاثیرات منفی فراوانی را از خود به جا گذاشته‌اند. کشور من به عنوان استعمار بریتانیای کبیر طی سال‌های ۱۶۰۰ تا اواسط ۱۷۰۰ میلادی تحت فشار اقتصادی و سرکوب مذهبی بود. آزادی مطبوعات و آزادی بیان محدود بود. استعمارگری میراث ناکام تمدن بود. در کشور ما یک انقلاب را تجربه کردیم. جنگ‌های متعدد با بریتانیای کبیر خونین و دردناک بود، اما به تسلط خارجی پایان داد و به سرآغازی برای نگارش قانون اساسی آمریکا و اصلاحیه آن انجامید.

به عنوان آخرین سوال بفرمایید به عنوان یک اندیشمند آمریکایی چه بهره‌ای می‌توان از دین در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران برای ساختن جهانی بدون خشونت برد؟

بر اساس تجربیاتمان آموخته‌ایم که روح انسان را نمی‌توان نادیده گرفت و نفی کرد. همچنین آموخته‌ایم که جنگ‌ها نشان‌دهنده شکست بشریت هستند. در قرن بیست و یکم، ارزش‌های مذهبی، اصول مذهبی و آموزه‌های اخلاقی برای جهانی که به سوی انحراف و اشتباه رفته است، حرف‌های زیادی برای گفتن دارند.

در پایان باید بگویم نامه رهبر عالی ایران همه ما را به چالش کشاند؛ نه فقط جوانان که مطابق گفته ایشان همه ما باید با نگاهی متفاوت به اسلام بنگریم. همچنین نامه ایشان از تمام ما و نه صرفاً جوانان خواست که اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها و عقایدمان را آغاز کنیم و برای ساختن جهانی بهتر، عاری از خشونت و معنوی‌تر با یکدیگر همکاری کنیم. اگر تمایل و اراده برای همکاری داشته باشیم، می‌توانیم در چنین مسیری گام بگذاریم و این اهداف را محقق سازیم.

منبع: فارس

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13931107001479>